

# توفان

ارگان سازمان مارکسیستی توفان

دوره سوم

مزارق میرزا شمشیر زنگنه خرد، قهرمان مبارز خلق، شهید. دفتر انتشارات روزگار، تهران، ۱۳۵۰

## اندیشه ما تو سه دون - پرچم عصر ما

لنین بزرگوار در ۱۸۹۹ میگوید:  
 "ما آموزش ما کس را هرگز نتوانیم بی چیز تمام و کمال و دست نزد تنی شما  
 ریم - برکسها بر این اعتقادیم که آموزشند کورنظ باید انش و انهاد ه  
 است که سوسیالیستها اگر نخواهند از زندگی و پسرها مانند یا بی آن را  
 در همه جهات به پیش بیاورند."  
 لنین همسوزی را دیده چنین گوشه را دیده اندی بود. نخستین انقلاب  
 سوسیالیستی جهان در روز پرچم لنینیسم پیروزی رسید.  
 ساختمان سوسیالیسم در یک چشم برود زین در زیر این پرچم گدست  
 توانای استالین و حزب کمونیست شوروی در احراز آن بود صورت گرفت  
 نخستین احزاب پرولتری در سراسر کیتی در زیر این پرچم پایسر  
 صه نهادند. ما شایسته هیلری به همه جز این پرچم از یاد آرد.  
 اما با نژاد کی از حرکت باز ایستاد و نبروتاری ای جهان از پرورش  
 دانش خویش در مانده شد. در برابر برشیرت درگد از سوسیالیسم  
 لیس و رهائی خلفها از یوج امپریالیسم مسائل تازه ای مطرح بود  
 که میبایست با بسط جدید مارکسیسم لنینیسم حل شود. اینجا این  
 وظیفه تاریخی را اندیشم پر عظمت مائوتسه دون برعهده گرفتند  
 امروز با نیروی شگرفه و توده ها نغز میزند و آنها را در رشا هزاره روشن تا  
 روح به پیش میزاند.  
 طرازیندی نو و نوآوری مائوتسه دون در مارکسیسم لنینیسم  
 یکی از ظایف خطیر مارکسیست ها - لنینیست هاست. این کاری  
 است دشوار و بسیار دشمن که در ره با زور و با یزوتیسم نقش زری  
 خواهد داشت.

رفیق لینین میگوید: "آزادگانه در دوران ما سلطه طبقات حاکمه  
 مرتجع همیشه بر اکثریت قوی است احزاب انقلابی باید  
 از حلقه ضعیف سلطه را بچینی یعنی از نظامی که سلطه مند کردن  
 آنجا غریبند بیست استفاده نکنند به وسیله بی کوچک است و ه سایه  
 جنگ پارتیسیپانسی بهره از نله یا یگا همای انقلابی استوار سازند  
 تا آنکه نیروی را هر آرزند و آنرا کار آرمود گرد آند. بقیه صفحه ۳

از کلیه رفقای سازمانی و سایر مارکسیستها - لنینیستها و از کلیه  
 انقلابیین ایران انتظار میروم که طرح "وظائف میرود ووری مارک  
 سیست ها - لنینیست های ایران" را که به ضمیمه شماره ۴ دوره  
 سوم توفان منتشر شد مورد مطالعه دقیق قرار دهند و نظریات  
 و انتقادات و پیشنهادهای خود را بیان دارند و ما را در تکمیل  
 و رفیع تغییر آن یاری کنند.

## آنکس که دشمنه داد و بچلاوه کرده باد

راههای سوسیالیسم استقلال ملی بود و امروز همگام امپریالیست  
 هاست. این امر نمیتواند موجب تازهرمه جانمهرم در ایران نباشد  
 روزنامه اطلاعات نوشت که یک هیئت نظامی بریاست ارتشید  
 آریا نا برای مطالعه خرید اسلحه (از محل ۲۶۸ میلیون دلار) به  
 شوروی رفت است. و محمد رضا شاه در صاحبه ای با خبرنگار را بر این  
 امر را "تمود اراعتما تقابل و دشمن" نامید یعنی اعتما تقابل  
 محمد رضا شاه که کاسیگین و کاسیگین محمد رضا شاه "چه خوشی  
 مهربانی هر دو سوسی" .

جلسه تصویب کرد که مبلغ ۲۶۸ میلیون دلار در بکار زکیست ایران  
 برای شاه اسلحه خریداری شود. با این مناسبت سیاه خرید  
 اسلحه را در مصرف ۴ سال اخیر از نظر گرانیم  
 مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار از آمریکا  
 از انگلستان  
 از شوروی  
 از همان اسلحه فروشان و شرکا  
 (از جمله امپریالیسم  
 فرانسه)

شاید شوروی در معامله جدید ایران برنده نباشد زیرا که دولت فرا  
 سده را این مورد رقیب اوست. ولی آنچه مهم است فظان بی معامله  
 مشخص نیست. آن سیاست کلی کشوری در هر صدمه با ایران بر  
 کرید مهم است تا انگیزا بود و معامله گریهای سیاسی بین المللی مهم است  
 مهم نیست که دولت کنونی شوروی به رژیم کودتا به رهبر سپاه خود برود  
 خسته سیاسی آمریکا به روسیه که خلق را بخون کشید و آزادی و استقلال  
 کشوری را فروخته و روسیه که اکنون ارتجاع و رهاور میبایست کمالسیا  
 سی و اقتصادی و نظامی میسازند. اگر در نظر بگیریم که روزیونیستهای  
 شوروی قمار لیبهای نواستعماری خود را در زیر نقاب سوسیالیسم  
 انجا میدهند اگر در نظر بگیریم که هنوز ما هیت آنها بر همه روشن  
 نیست آن وقت آشکار میشود که نقش آنها چه نقش زیانمندی است.  
 روزیونیست های شوروی علاوه بر اسلحه که بدست محمد رضا شاه  
 میدهند کوله های شکر آردی نیز در زمینه ییدتولوی میسازند و  
 فرهنگ به سینه ملت ما نشان میدهند. کار تا نکتوتوب امپریالیستها  
 خطرناکتر است. روزیونیست های شوروی روح ملت ما را آماج گرفته  
 اند. مدتی که ریاست محمد رضا شاه میسر آیند آب ورنکی کبابا  
 ساختار استعماری میزند راه سلامت آیزی که بزبان خود و بی زبان

ملت ایران در این سیاه هفت فقط چهارم و تخم محمد رضا شاه را  
 می بیند که با چه قساوتی برای کشتار خلق ایران و خلق های انقلابی  
 همسایانش اسلحه ها را میزند بلکه رخصا رند و تخم پرورانی را نیز  
 شاهد صحنه ای که با زور محمد رضا شاه را برای چنانا با شرم کم کشته  
 مسلح میسازند. در این سیاه میتوان آن کسرسیوسیم پیروسی و نا  
 مرفی ولی واقسن را که از اسود ارگان مرگ تشکیل شده و بر سر استقلال و  
 آزادی ملت ایران با محمد رضا شاه معامله میکند بعیان دید.  
 در این میان نام امپریالیست های آمریکا و انگلستان و فرانسه دیده  
 میشود که بی است در استقلال شکنی، غارت و قتل عام خلقها  
 سابقه دارند. شرکت آنها در چنین کسرسیوسیم امری عادی است  
 ولی نام دیگری نیز در این سیاه مخوف نمانی میکند آن نام دولت شوروی  
 است. دولتی که در آتش مبارزه امپریالیست های آمریکا و انگلستان  
 فرانسه و غیره و برهمنم بهر صدمه وجود نهد. دولتی که روزی ستاره

روزیونیستهای ایران  
 هنوز چشم امید به دولت های رژیم کودتا دارند.  
 به ناه آنها خطاب به هید، نخست وزیر (متحد در شماره  
 ۲۹ روزنامه مردم) توجه کنید: "امید است با توجه به مسو  
 لیت خطیری که در برابر ملت ایران بگردن گرفته اید... از  
 اقدام در بر طرف ساختن محیط سخت کنونی و استقرار آزاد بیگنا  
 سیاسی و اجتماعی مصرح در قانون اساسی درج نخواهد و روزی  
 ستاره

روزیونیستهای ایران که هنوز خود را به قبول افکار عمومی نیازمند  
 میدانند در تائید اقدامات نواستعماری و عواقریانه حکومت محمد  
 رضا شاه عموماً احتیاط قدم بر میدارند قیود و شروطی بکار می  
 برند و عباراتی از نوع: "اقدام مذکور مثبت است... ولی..."  
 اختراع کرده اند. اما روزیونیستهای شوروی که در جلب خاطر  
 محمد رضا شاه و شرکت در استعمار ایران، شیفتهوار به پیش می  
 تازند کمترین توجهی با این نیازمندی  
 بقیه صفحه ۳

بقیه صفحه ۳

### زنده باد حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) فرانسه

دومین کنگره مارکسیست ها - لنینیست های فرانسه از ۳۰ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۶۷ تشکیل شد و حزب کمونیست (مارکسیست لنینیست) فرانسه را بنیاد نهاد. این پیروزی بزرگی برای طبقه کارگر فرانسه است و در جنبش کمونیستی جهانی اهمیت بسیار دارد.

حزب کمونیست فرانسه که روزگاری یکی از گردانهای پیشاهنگ پرولتاریای بین المللی بود بتدریج گرفتار پدیده های ریزویی - نیستی گردید و آنگاه که ریزوییسم معاصر بر حزب کمونیست شوروی غلبه کرد بی نیز یکباره در باتلاق ریزوییسم در غلظید و در واقع رهبران ریزوییست حزب کمونیست فرانسه را باید از پایه گذاشت و پیروزی کان ریزوییسم معاصر بشمار آورد. آنها بودند که پس از جنگ دوم جهانی تحت تاثیر تاکتیک موند پانسه جدیدی که پیروزی ناتوان شده فرانسه و برخی دیگر از کشورها اروپای غربی در پیش گرفته و عدای از کمونیستها را منظور حفظ خود در برآمده دولت بورژوازی گرد آورده بود شعار سرخسرخف راه مسالمت آمیز، راه پارلمانی نسل بحکومت را مطرح ساختند.

آنها بودند که ناسیونالیستهای اروپای غربی را که بعد از جنگ بحاضر حفظ تقویت بورژوازی صورت میگرفت تقدیر کردند و موجب گمراهی خلق و تسهیل مانورهای بورژوازی شدند. آنها بودند که برای پیشبرد مقاصد پارلمنتاریستی خویش بر راه بند و بست وحدت غیر اصولی با عناصر بورژوازی رفتند و مرز میان حزب کمونیست و احزاب بورژوازی و خرده بورژوازی سوسیالیست و سوسیال دموکرات را زدودند. آنها بودند که در این راه به اعتراض از مبارزات امپریالیسم آمریکا تن در دادند و پرچم ملت فرانسه را در مبارزه بر علیه بزرگترین دشمن استقلال ملل از دست نهادند. آنها بودند که بانواع بهانه ها از منافع مستعمراتی امپریالیسم فرانسه دفاع کردند و پشتیبانی قاطع جنبشهای ملی در مستعمرات فرانسه باز ایستادند. آنها بودند که بجای مبارزه در راه پیروزی خلقی و تمام شعار سازشکارانه جونسون پسند صلح در ویتنام را زبیبین کشیدند. آنها بودند که از آریستوکراسی کارگری فرانسه به مثابه تکیه گاه امپریونیسم و ریزوییسم استفاده کردند.

آنها بودند که سازمان حزب کمونیست فرانسه را تا درجه دستگا پیوزوکراتیک تنزل دادند. آنها بودند که سازمانهای توده ای را بصورت افزار بند و بست سیاسی خویش در آورده اند. نقشی که آنها در جنبش کمونیستی جهانی در دفاع از ریزوییسم خروشچی در ریزویی خیانت های ریزوییستها و در ایزاد تهمت و افتراء بر احزاب مارکسیستی - لنینیستی بازی کردند یکی از زشتترین نقشیهاست.

با آنکه طبقه کارگر فرانسه را متأسفانه در اثر رهبری این ریزوییستها خاکستر ریزوییسم و سوسیال دموکراسیست قرار گرفته است بتدریج مارکسیست ها - لنینیست ها در برابر خیانت عظیمی که نسبت به خلق فرانسه انجام میگرفت قد علم کردند. کار آنها در اثر رخنه ریزوییسم و سوسیال دموکراسیست در طبقه کارگر فرانسه و در اثر نفوذ حزب ریزوییستی و نیز در اثر خرابکاری عوامل امپریالیستی بسیار دشوار بود. ولی آنها که سلاح پیروزی بخش مارکسیسم - لنینیسم مجهز بودند از دشواری نهراسیدند.

مارکسیستها - لنینیستهای فرانسه در تاسیس حزب خود عجله نشان ندادند بلکه نقشه تدارک وسیعی برای این امر خطیر طرح کردند. نخست "محافل مارکسیستی - لنینیستی" در نقاط مختلف فرانسه بوجود آوردند و سپس طی کنفرانس خاصی "جنبش مارکسیستی - لنینیستی فرانسه" را برپا ساختند که نخستین کنگره خود را یکسال و نیم پیش از این و دومین کنگره خود را در ۳۰-۳۱ دسامبر ۱۹۶۷ تشکیل داد و حزب کمونیست فرانسه را در کنگره اخیر بنیاد نهاد. در این مدت مارکسیست ها - لنینیست های فرانسه از همه جانب مورد حمله و هجوم امپریالیسم و ریزوییسم و ارتجاع قرار گرفتند. از یک سو حزب ریزوییست در بنایم خبری عده کبیری از کارگران و با استفاده از پست ترین شیوه های فاسد شیستی بجارزه بی پرستی بر علیه مبارزان راه مارکسیسم - لنینیسم پرداخت. در ورغ پراکنی، زدن و مجروح کردن کارها و اعضای جنبش مارکسیستی - لنینیستی پیش بر مجامع آنها، وودن و یاروگرین شعارهای انقلابی و پرچم سرخ آنها در تظاهرات مختلف عده

ترین شیوه مبارزه ریزوییستها بود و هست. حتی در کنگره اخیر نیز فعال ریزوییستها با طعانه به وصل کنگره حمله ور شدند و یکی از اعضای کنگره را زخمی کردند و فرزند دبیر حزب کمونیست فرانسه را درودند و در طی سه سال اخیر گروه های رنگارنگ دیگری نیز که بقصد فتنه انگیزی گمراه ساختن خلق و انضحاب در جنبش مارکسیستی - لنینیستی بظاهر پرچم مارکسیسم - لنینیسم افراشته بودند و در عمل در کنار جناحی از بورژوازی فرانسه جاسی داشتند همراه با ریزوییستها جنبش مارکسیستی - لنینیستی را مورد دشنام و اتهام قرار دادند. تشنج روسی آنها بورژوازی را تشکیل کنگره و دو مارکسیستها لنینیستها بظهور رسید. در این موقع حملات آنها بر حزب کمونیست فرانسه از حملات ریزوییست ها هم درنده تر و کینه اتر بود. از سوی دیگر در طی این چند سال در داخل جنبش مارکسیستی - لنینیستی افرادی از عاال دشمن، از عناصر ماجراجو و فرصت طلب پیدا شدند که خواستند آنها را از درون تسخیر کنند. روشه کن کران آنان نیز یکی از مبارزات مهم مارکسیستها - لنینیستها بود. در طی این چند سال انحمار داران فرانسوی که بانگ مارکسیستها لنینیستها را اصولی در ناقوس مرگ خود می شنیدند بوسیله دولت و سایر ایادی خود پیش به تحریک در جنبش مارکسیستی - لنینیستی دست زدند و در حالیکه از راههای مختلف به ریزوییستها یاری میرسانند، با آنها در کوبیدن جنبش مارکسیستی - لنینیستی هنگام شدند. اما مارکسیستها - لنینیستها از پای نشسته و رفتن بمیان توده ها و روشن ساختن آنها را وظیفه مرم خود دانستند. آن کارگر مارکسیست لنینیست که در یوز مورد ضرب و جرح رفتاری بی خبر و تحریک شده نبود قرار گرفته بود فردا بسراغ هانتها میرفت و بحث رفیقانه را از سر میگرفت. آن کارگر دیگکه بجوم دعوت کارگران بهارزه مؤثر - بد ستور ریزوییستها از اتحاد با خارج شده بود ورثه اخراج خود را میتوان ستند جدیدی بر علیه ریزوییستها بمیان کارگران میرد.

در این جریان روزنامه "هوانا تیه نوین" بعنوان پرچم مبارزه در آغاز سال ۱۹۶۵ قدم بر عرصه گذاشت. این روزنامه در جدا ساختن مارکسیسم - لنینیسم از ریزوییسم و در دفاع از آن و کوبیدن

ما با ریزوییسم - لنینیسم دشمنی را که ریزوییسم - لنینیسم بعلول لنین بزرگ - مضمون مارکسیسم از آن میکند، آن را تنزل میدهد و به تامل برتد ما انقلابی آن را می سایند جنبه انقلابی مارکسیسم روح مارکسیسم از یاد میرد، زیرا میبندد، طلب میکند.

زیرا که ریزوییسم مخالف دیکتاتوری پرولتاریا، براندازنده دیکتاتوری پرولتاریاست، بد روغ از دولت همه خلق که هرگز وجود نداشته و نخواهد داشت و چیزی جز فریب بورژوازی نیست دم میزند. زیرا که ریزوییسم سازمان برافکن حزب پرولتاریاست، شریکها بهای حزب پرولتاریا را می جود، آن را تحت عنوان "حزب همه خلق" به حزب بورژوازی تبدیل میسازد. زیرا که ریزوییسم دشمن کن تیزور انقلاب اکثریت سنی انقلابی اقتدار آمیز خلق شوروی است.

زیرا که ریزوییسم اصل هدف س انتزاع سوسیالیسم پر ولتاری را بر نامه خود ستود و موافق هر کس که همزیستی سالمت آمیز امپریالیستها و با تجاوزکاری آنها را بجای آن گذاشته است.

زیرا که ریزوییسم دشمن انقلاب است و هم راهی امپریالیسم آمریکا شاتراواتی را وسیله خاموش کردن جنگهای عادلانه ساختاست. ما با ریزوییسم دشمنی را که وجود آن را فرقه چرکینی در بدن جنبش کمونیستی جسم سانی میدانیم.

زیرا که ریزوییسم نتیجه هانتی و تلووی بورژوازی در جنبش کمونیستی است و عامل بورژوازی در این جنبش است، از آنکه ما هرین است و از آن جزئیگی نیز باید. دشمنی ما با ریزوییسم دشمنی در فروختن اصول است و رنحای پرک نیست در روشهاست. ما خیانت های روز را در ریزوییسم را بد های تصادفی و قابل جلو گیری نمیدانیم بلکه آنها را ناشی از ماهیت ریزوییسم و اجتناب ناپذیریم میسازیم.

این، در بخش اندیشه مائوتسه دون، در اشاعه اخبار مبارزات خلقهای آسیه در افشای روزانه ریزوییستها در همه زمینها نقش بزرگ و پر افتخاری بازی کرده و میکند. "هوانا تیه نوین" مظهر مارکسیسم - لنینیسم بیگارو است و شاقول بنای حزب مارکسیستی - لنینیستی است و انعکاس دهنده و تعمیم دهنده تجارب توده ها است.

نهضت مارکسیستی - لنینیستی فرانسه با طی این مبارزات و با تدارک وسیع به کنگره در خود رفت و حزب کمونیست (مارکسیست لنینیست) فرانسه را بنیاد نهاد. حزب کمونیست فرانسه حزب اصلی پرولتاری و انقلابی است، همزه از رسومات خرد بورژوازی و فرقیسم ریزوییست است، تحزب لنینی طراز نوین است، حزب دویز اندیشه مائوتسه دون است. این حزب در زندگی طبقه کارگر و همه خلق فرانسه و همچنین در جنبش پرولتاریائی جهانی نقش مهمی برهنده دارد.

ماناسین آنها به طبقه کارگر همه همتگیشان و همه مارکسیستها لنینیستهای فرانسه تهنیت میگوید.

زنده باد حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه! برافراشته باد پرچم پیروزگر مارکسیسم - لنینیسم!

بسیاری از روشنفکران انقلابی چین باید به لزوم یکی شدن دهقانان پس برند. دهقانان به آنها نیازمندند و از آنها چشم یاری دارند. آنها باید با شور و شوق پرورست با سرورند، لباس دانشجوئی را بدر آورند، جامه زنجبخت دهقانی بسوتن کنند و به همکاری هر قدر هم پیشینیا افتخاد به سانشدتن در دهند. آنها باید خواستهای دهقانان را در یابند و به آنان کمک کنند که با خیزند و به منظور مبارزه در راه انجام انقلاب دموکراتیک در روستا گسه از مهم ترین وظایف انقلاب دموکراتیک چین است متشکل گردند.

(مائوتسه دون)

## مدافعان نازک کار ریزوییسم

نشان دهند که آن مواضع ایدئولوژیک نتیجه دیگری جز این مواضع سیاسی خیانت بازمینوند داشته باشد. این خیانتها جزید کاری جز خدمت با آن ایدئولوژی نیست.

در اینجا بویوما بد بصراخ و فاعی تجربی از ریزوییستهای ایران تودمگرد و آنها را ناخشت آخرازیای در آورد. این ریزوییستها در برورد باتود هاد ریافته اند که آنگاروی برده نمیتوان از همه خیانتهای ریزوییسم سازمان جمله رابیران عواد اری کرد. از این جهت شیوهان غیرا رژیومیست اول چا کاران ریزوییسم برگزیده اند. اینان بمنظور تسکین چشم مردم را ساقانند از این عمل ریزوییست نیستند و شیوهی بسیار رت میروند و حتی در این میدان که بر لب می آورند و با زمین میگردند و آنگاه که ای در صفوف مستعان برای خویش یا زگر تدباین اسدلال فریبند ه دست میزنند که اینها همه اشتباهات راست محطای منفرد است، اینها است و زانید که کاستانین

با آن سیاستدار است و ناشی از ماهیت ریزوییسم نیست. مشور ریزوییست های شوروی صحیح است اگرچه این اعمالشان قابل انتقاد است. این اشخاص وقتی که سخن را با اینجا رسانند هرگاه در رشتند خود آما در کی ببینند آهسته آهسته طیفه انتقاد را بسوی جنبه هائی مارکسیستی - لنینیستی بسوی حزب بزرگ کمونیست چین که برچمد از جنبش است برو میگردند.

این اشخاص خطرناکترین مدافعان ریزوییسم اند، دستگیر روزگار بحران وی اند، ریزوییسم با آنها بدیده با عناصری که بدیده هم برینکرد و انتقاد خشم آگین آنها را با نسیه هانتی برینور میگردند. این و بد ریح که جنبش مارکسیستی - لنینیستی ایران نیرو میگردند و ای از آنها را بسوی این جنبش میسازند. و طبقه ایان آرا بشکری ریزوییسم و جای گرفتن در صفوف مارکسیستها - لنینیستها و با لافل در کتا آنها است. باید نهضت مارکسیستی - لنینیستی را از اینان برود زدافت.

ازوفت نام . . . بقیه از صفحه ۱ مد اخله کران امیرالیست جنگگیر  
میونی وخلق کبرجین ملی بیست و پنج سال جنگ انقلابی خود نمونه  
های درخشانی از این خصائل بدست نداد ما ند ؟ بعضی از  
اپورتویست های جزوتوبه ما بران برای طرف جنگ انقلابی کاهی به  
قضا و استجابات تونسل میجویند که گویا خلق ایران تاب و توان جنگ ولانی  
ندارد . . . خصوصاً روحی "وی گویا چنان است که با بی با یک خبری به  
پیروزی نائل آید و گرنه شوروشوق در روی دهری نمی باید و چندی  
نمیکند در کعبه خاموشی میکراید . خلق ایران کویا مانند آتشی است  
کمیکیارگر میگرد و لحظه ای بعد هم خا هوش می شود متا رنگ شته  
میمن ما بر این قضا و ستا هواب خط بطلان میکشد . بعضی از آنان  
نیز آنقدر کعبه و ن تا میهن بود ریافتنک هم جدا نیا از خارج نمیتوان  
بجنگ انقلابی دست زد .  
آنها ر واقع عامل خارجی و احاطه کوسر نوست خلق ایران میسرند .  
واقعیت نیست که آنها بی خود همای خلق ایران اصحا ن ندارند و  
با این حقیقتها ورنه از اند که تا کبیر خلق در هر در شکلی میتوان فاشی آمد  
انقلاب ایران از جنگ انقلابی میکند بود و کوشش و ریزش نیستها در  
جلوگیری از آن جانی نخواهد رسید .

پیروزی خلق ویتنام و پیروزی ما ر کسبیم لنینیسم پیروزی پیروزی است  
پیروزی بزرگ جنگ انقلابی است که رفیق مائوتسده و هر برگینه  
مارکسیسم لنینیسم افزود ما ست .  
پیروزی خلق ویتنام در این جنگ انقلابی در ای اهمیت تاریخی است  
و مرحله نوی را در تاریخ مبارزات خلق های منطقه توفانها و از  
آنجه کمبردا و مبارزه علیه امپریالیسم در ایران امپریالیسم  
امریکا خواهد بود . برای خلق ایران که در زیر کار بومر حشتناک  
روم کوب تاود ولتد مستنشاندای نظیر در ولتد شمالی نکونین  
و پیروزی آشنیان آن دستا میزند برای مارکسیست  
لنینیستهای ایران که هنوز پیروزی نکرده اند متاسفانه اکنون کاری  
بخطرفا غ اعمال از خلق قهرمان ویتنام میسر نیست . اما مارکسیست  
لنینیستها و کلیه سازمانها و عناصر انقلابی ایران باید از جنگ  
انقلابی ویتنام و زنجاریا بین جنگ کسب میکنند زیرا در ایران برای  
رهائی از یوگوشیستها که دست نشاند ما امپریالیسم در ایران شاه  
و برای ریشکون کردن نفوذ امپریالیسم و ارتجاعی هر چه جنگ انقلاب  
بی و پیروزی انقلاب بود که گویا راسی نوین نیست ، باید  
از هم اکنون خود را برای آن آماده ساخت .

شریک زد . . . بقیه از صفحه ۱ ریزش نیستها ندارند و تا  
کنون صدها بر سر این "ولی" ها خط کشیده اند . با این شنا  
خواستی بی قید و شرط روزنامه ایزوستیا توجه کنید :  
" مردم شوروی با علاقه زیاد و هواداری صمیمانه به تحولاتی که  
اینگ در ایران میگذرد به نقظه های اجرای اصلاحات ارضی  
به توسعه صنایع ملی به مبارزه با بیسوادیه و با واکداری حقوق  
سیاسی بزنان مینگرند . . . اظهارات شاهنشاه در نطق  
افتتاحیه مجلس ایران مشعر بر اینکه ایران در موضع سیاست  
مستقل ملی قرار گرفته و بر آنست که مناسبات میان دولتها باید  
بر روی اصول همزیستی صالمت آمیز و تحکیم همکاری متقابل  
بناشود در اتحاد شوروی با خشونتی تلقی شد . . . خلق  
شوروی به کوششهای ایران در راه ایجاد اقتصاد مستقل ملی به  
چشم نگاه و هواداری میگرد ."  
انتخان " سیاست مستقل ملی " و کوشش در راه " ایجاد اقتصاد  
مستقل ملی " بهرزی نسبت داده میشود که هر گوشه ای از ایرا  
و هر بخشی از اقتصاد ایران را یکی از امپریالیستها و بویژه  
به امپریالیسم امریکا پیش کش کرده است ، روزی که با کودتای  
امریکایی مرداد ۱۳۳۲ برپا شده است از بی که فقط برای ابطال  
قانون ملی کردن صنایع نفت و برای اصحا نخستین قرارداد  
راهزانه با کسرسیمون نفت جنوب دهامین پرست ایرانی را  
بهای چوبه اهدام و صد هاتن از بهترین فرزندان ایران را به  
زندانی و شکنجه گاه فرستاد ، روزی که هر قدر من در راه خیانت  
بمنافع ملی است .

اکنون ریزش نیستهای شوروی - بقل روزنامه ایزوستیا " باعلاقه  
بسیار و هواداری صمیمانه " چنین ریزی مینگرند زیرا که ایسن  
روزی برای آنها نیز از این نمذ کلاهی ساخته است  
واقعیت تلخ تاریخی را باید دید . حکومت شوروی که تا پیش  
از سلطه ریزش نیستها بعلت ماهیت سوسیالیستی خود و سیاست

اندیشماتکو . . . بقیه از صفحه ۱ و شمیج در طی مبارزه  
ای ضامدی به پیروزی کامل در انقلاب نائل آید . پس یکپیر ترد مها  
ایجاد با یکاهای انقلابی در روسیا و حاضر مشهرها از اندیروستا ،  
اینهاست آن روزها و تاریخ که در عصر ما مطابقتها و خلقهای مستعدیده  
جهان در مبارزه مسلحانه برای تسخیر قدرت باید در روند نظرقرا زد هند  
و موقع اجراء را روند ."

آنکاهلین بیا فومیکوید ؟ رفیق مائوتسده و لنینیسم و انقظت در مسئله  
تسخیر قدرت بوسیله پرولتاریا پیروزی خلق تومسده اده  
بلکه آنرا در مورد بهترین مسئله عصر ما یعنی تحکیم دیکتاتوری  
پرولتاریا و جلوگیری از اخیاسم سرمایه داری و پیروزی خلق و دوران  
سازنگام بخشید ما ست . . . اخیاسم سرمایه داری در اتحاد شوروی  
و برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی بزرگترین رسی است که از ایجاد  
سال اخیر تاریخ جنبش کمونیستی بین المللی میتوان گرفت . ما این و  
قویت در دناک این مسئله را فریاد مارکسیستها - لنینیستهای  
جهان بطور نمایان مطرح میسازد که چگونه باید دیکتاتوری پرولتاریا  
و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و بیباکان رساندن انقلاب

آنکس که در شنه اده . . . بقیه از صفحه ۱ حتی یکی از ریزش نیست  
های ایران در تاریخ سیاست خروش خلقی همزیستی صالمت آمیز  
( در شمار خرداد ۱۳۴۲ روزنامه مردم ) در واقع عملیات رژیم در زنجاریا  
می ایران را معلول جنگ سرد " و خطر تجاوز " دانست و اظهار نظر  
کرد که " جنگ سرد " و " خطر تجاوز " باعث میشود که " ریزشهای ارتجاعی  
می در کشورهای گپشده به پاره " حفظ استقلال آزادی های مردم چرا  
با بیال سازند و پیشانی ملی وضع استعما روی را کسوا هان نشدیده  
مبارزه بر ضد امپریالیسم غربی و تحکیم دیکتاتوری و همکاران را با و گاه  
سوسیالیسم هستند بعنوان " تحالف مصالح ملی " سرکوب کنند ."  
ولی ملت ایران بچشم خود می بیند که هر چه " خطر شمال " مترفع تر  
هر چه جنگ سرد " میان ایران و شوروی سرد تر ، هر چه روبا بطور پیروزی  
با محمد رضا شاه گپشده کردید آزادی مردم ایران با مال تروسرکوب  
جنبشهای ضد استعما روی در زمینها و وحشیانه تر شد . زیرا که -  
برخلاف دید ریزش نیستها - این پدیده ها زائید ما هیئت رژیم  
است و وابسته وجود جنگ سرد و گروپهای خطر شمال و جنبش نیست .  
روزنامه های اروپائی خبر میدهند که ایران قسمتی از نیروهای مسلح  
خود را کمیسوتم شمال مستقر بود تد جنوب انتقال داد تا پس  
از آنکه ارتش انگلستان خلیج فارس را ترک گفت و بتواند در سرکوب  
نهضت خلق های عربو و فتغالیگری بر علیه ولت هائی که اتحاد  
شوروی با آنها نیز اظهار ارا در استخولوص میکند یا رومد دکار مرتجعانه  
نی چون ملک فیصل باشد .

این یکی از تاریخ مستقیم بهیود روبا بطور شوروی با محمد رضا شاه است .  
همچنانکه امپریالیستهای امریکا همیشه گرمی دوستی و همکاری  
در ولت شوروی میتوانند ارتش خود را از آلمان غربی فراخوانند و جنگ  
خلق قهرمان ویتنام بکشاند دولت ایران را اثرات شوروی و  
اسلحه فروشی دولت شوروی فقط در سرکوب جنبش نجات  
بخش ملی ایران تشویق میشود بلکه ارتش خود را در راه اسارت  
خلق های دیگر نیز نگرمی اندازد .  
عبرت آوراست که ریزش نیستها کتابلولی در روغین " نمایانند وین  
اسلحه بدون ارتش بدین جنگ " را با لار فاند در عین حال دکان  
اسلحه فروشی گنود باند .

خند ما و آرتس که ریزش نیستها که همپرا امپریالیستها رژیم های  
ارتجاعی نظیر رژیم ایران را تا نندان مسلح میسازند در عین حال  
راه مسالمت آمیز و گذار مسالمت آمیز را به خلق های جهان موعظه  
می کنند زیرا که نایبها درک تود مها اعتقاد ندارند هر آنند که  
تودها را همیشه میتوان فریفت . ولی تودها و آزان جملضود مگا  
مردم ایران در س میگردند می آموزند که برای مقابله با زدان مسلح  
یا پد مسلح شده زورسوزنیزه را باید با زورسوزنیزه روبرو ساخت .  
برای رعایتی خلق ایران از استبداد و استعما در ارتش را بطکوتی  
راه دیگری جز راه قهر آمیز وجود ندارد .

خارجی انترناسیونالیستی خود از مهر زحمتکشان جهان و کین  
مرتجعان جهان و از آنجه محمد رضا شاه بر خورد ابرود اینک  
بعلت تغییر ماهیت خود و سیاست خارجی شوینستی و سواد جو  
یانه خود از نوازش مرتجعان جهان و از آنجه محمد رضا شاه بر  
خوردار است و بالنتیجه نصیبی جز از زنجار زحمتکشان جهان و  
از آنجه ایران نخواهد داشت .

این رفیق مائوتسده وین آموزگار و بزرگترین رایی جهان در عصر ما است که در  
شرا یطنا ریش نوین در قیاطر زنده و جریه تاریخی دیکتاتوری پرولتاریا رایی  
بین المللی بر داخته نقاب های جامه سوسیالیستی را بطور علمی  
تحلیل کرد و فراترین مبارزه طبقاتی در راه مومسوسیالیستی را بوجهی  
نافذ مطرح ساخت و مجموعه ای از تشری های علمی ها اصولی اسلوبها  
و موازین سیاسی در مورد ادامه انقلاب در دیکتاتوری پرولتاریا  
پرداخته است . صدر ما فو با نیروی ممنوی شکست ویا خورد مترک  
خود نخستین انقلاب فرهنگی پرولتاریائی در تاریخ راپیروزند اند  
رهبری کرده است و این امر بوجه باری نشان میدهد که مارکسیسم  
لنینیسم در تکامل خود بمرحله اندیشه مائوتسده دون گاه پاره  
است . پیروزی انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی در چین که  
یک چهارم جمعیت جهان را در بر میگیرد کنشده راه درخشانی  
است که تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و بیباکان رساندن انقلاب  
سوسیالیستی را ممکن میکند ."  
رفیق لین بیاتو نتیجه میگرد ؟  
" جهان به پیش میرود . تئوری که انعکاس قوانین حاکم بر جهان  
است نیز پیوسته تکامل می یابد . اندیشه مائوتسده وین پرچم  
عصر ما ست ."

هفتمین کنگره . . . بقیه از صفحه ۱ تحقق خط مشی تود های  
در گذر اسون برداشت .  
بن بست که کنگره هضم دچار آن کردید دارای یک جهت منفی  
است و آن این که امید پیروزی کامل این کنگره را بر آورد نکرد و کار  
آنها چند ماهی به تمویق انداخت . جهت دیگر این مسئله  
نشانه غنی تر شدن جنبش نشانه رشد نیروها است . نشانه آن  
است که جنبش دانشجویی چنان مرحله ای از رشد رسیده که حله  
ضر نیست مشکلات و تضاد های دورنی خود را سرشود که آفته  
و حل آنها را تنها بعهده رهبری جنبش واگذار نماید . بن بست  
اخیر مسئلهای تعادلی نبود ، بلکه ریشه خود را در رون جنبش  
دارد . تکامل و رشد کیفی جنبش مسائل جدیدی را در امور بیسن -  
الطی و فرهنگی ، انتشارات و غیره بوجود آورد است . بر خورد  
با این مسائل جدید با موضوعهای گوناگون و از زاویه دید های  
مختلف صورت میگیرد . راه حلهای پیشنهادی برای حل آنان  
نیز گوناگون است . کنگره اخیر نشان داد که جنبش دانشجویی  
بمسائل خود با دلسوزی و دقت صداقت میگرد نشان داد که در  
پیروهای دانشجویی آنچنان است که بحل صوری و مکانیکی مسائل  
عده خویش تن در نمیدهد ، بلکه خواهان بردن مسائل پیمان  
تودها و حل آنها از طرف تودهای دانشجویی است . کنگره  
هضم ، کنگره پیروزی خط مشی تودهای در جنبش دانشجویی است  
دشمنان نهضت بدون شک از بن بست این کنگره فریاد شادمانی  
برخواهند داشت . آنها با برداشت سطحی و ارزیابی یکجانبه  
از جهات منفی ، بوجود اختلافات تکیه خواهند کرد و از آن برای  
تفرقه در جنبش استفاده خواهند نمود . این فریاد شادمانی را  
باید در گو خفه کرد . باید نشان داد که اگر چه وجود اختلا  
ف نظره کنگره را در مورد انتخاب هیئت دبیران به بن بست کشا  
نمید ، ولی درست همین بن بست است که نشان میدهد اگر دا  
نشجویان خواهان اتحادی عمیق تر و اصولی تر و متکی بر رشد  
کوتنی نهضت اند . دانشجویان دموکرات و شرقی جنبش دانشجویی  
نی با تکیه بر اتحاد موجود ، مسائل مورد اختلاف خود را از راه  
یک مبارزه اصولی و توده ای ، بهیئت نیل به اتحادی استوارتر و  
نوین حل خواهند نمود . این جهت حرکت و رشد جنبش است  
و ما بر آنیم که اگر نیروهای دانشجویی در این جهت کاپیر خواهند  
داشت .

پیروز باد جنبش شرقی و دموکراتیک دانشجویی ایران  
مسوق باد کسکرفوق العاده کشف راسیون  
برقراریاد شعاع اتحاد ، مبارزه به پیروزی

عنوان جدید کتابتات  
X GIOVANNA GRONDA  
24030 VILLA D' ADDA/ITALY  
حساب بانکی  
CONTO 12470/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY



## هفتمین کنگره کفدراسیون

جنش داندشجوی ایران که در شرایط تور و اختناق داخل کشور ناچار مرکز فعالیت خود را متوجه خارج کشور نموده است، بحق بخشی جدا ناپذیر از نهضت آزاد بخش مردم میهن ماست.

کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در طول حیات خود پیوسته رشد کرده و محتوی خود را غنی تر ساخته و سازمانی مترقی تر و دموکراتیک تر گردیده است. بدون شک رشد این جنبش خالی از موانع و فعالیت آن عاری از اشتباه نبوده است ولی این اشتباهات و خطاها نبودند که رشد یافتند بلکه آنچه تعیین کننده جهت حرکت جنبش داندشجوی بوده محتوی مترقی و دموکراتیک این جنبش میباشند که همواره رفتی تر گشته و در راه محو جهات منفی جنبش به پیش رفته است. این چنین جنبشی بنا بر ماهیت مترقی و دموکراتیک خود با هرگونه پدیده ناصحیح پیکار میکند. هرگونه تعارض غیر دموکراتیک و تحمیل نظرات ناصحیح گروهی بر گروه دیگر تنها می تواند به فعالیت بخش جنبش زیان وارد آورد. سازمانهای داندشجویی و سازمانهای توده ای هستند که میباید بر گردند و هر چه بیشتر داندشجویانی شایسته که ضد رژیم استبدادی و ضد امپریالیسم هستند ملی بودن دموکراتیک بودن و توده های بودن کفدراسیون به خصیصه است که باید در درون این جنبش همواره رشد یابد و هر آنچه را که با خود ناسازگار میبیند از میان بر دارد. آنتی کونیسم یک جریان ارتجاعی ضد دموکراتیک بود توده ای است میان ریز آنتی کونیسم طبقه هراسان ملی دموکراتیک و توده های است. رشد آنتی کونیسمی - تواند بر محتوی جنبش سازمانهای توده های صدمه وارد آورد و آنها را در خدمت ارتجاع و امپریالیسم قرار دهد. نیروهای مترقی دانشجویی باید با هشتمین تمام از اصول و پرنسپ های نهضت دانشجویی دفاع کرده با تمایز و جریانات ناسالم مبارزه اصولی نمایند. وظیفه داندشجویان مبارز و مترقی است که جنبش پیرای داندشجویی را گرامی داشته در حفظ و استحکام آن بکوشند. ولی حفظ جنبش هرگز به معنی آن نیست که بگان آنکه مبارزه بسرای حل اختلاف نظر ها و تضاد های پدید آمده لطمه به اتحاد نیرو های داندشجویی است. همواره از کنار مسائل عمده گذشتن حفظ جنبش به معنی آنست که مسائل و مشکلات جدید درون نهضت را بر پایه اتحاد و از راه مبارزه حل کرده به سطح عالیتری از اتحاد دست یافت.

کنگره هفتم کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی که در روزهای ۲ تا ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ شهریورماه ۱۳۴۶ در شهر فرانکفورت آلمان فدرال برگزار گردید و توانست خط مشی عمومی خود را برای سال آینده طرح بریزی و تدوین نماید. ولی این کنگره نتوانست هیئت دبیران جدیدی را برای رهبری جنبش در سال آینده انتخاب کند و کسار تعیین هیئت دبیران به کنگره فوق العاده ای که تا چهار ماه آینده تشکیل خواهد شد واگذار کردید. وجود اختلاف نظر هائیکه در مسائل جنبش که در نتیجه آنها کار تعیین هیئت دبیران کفدراسیون به بن بست کشانیده شد، در این کنگره مشهود میگردد. کنگره اظهار نظری بجهت پیشنهاد توده های داندشجویی را در واحد ها کفدراسیون برای حل مسائل مورد اختلاف در جنبش لازم داشت و بدین ترتیب یک کام بزرگ در جهت پیشبرد رصحه ۳

## از ویتنام قهرمان بیا موزیم

بستن تئوری جنگ انقلابی هر روز به سرعت ضیاع تاریخی و در ارتش متجاوزان آمریکا وارد میسازد. اینک در عملیات نظامی ۱۰ مایلا در دست ارتش نجات بخش ویتنام است. امپریالیسم آمریکا در کشور خود - های گوناگونی است که از رون آنرا میخورند، آنکا رومی می چنان حتی بسپاری از خنثی بین نیز امپریالیسم آمریکا را بشدند تمسک می نمایند.

امپریالیسم آمریکا در این است که از لحاظ سیاسی در چار شکست شده است. شکست تئوری از لحاظ نظامی نیز خنثی است. ممکن است امپریالیسم آمریکا از روی نوسیدی جنگ را با زحمه کشورهای میاور ویتنام گسترش دهد ولی این اقدام نیز از ارتشکست حتی نجات نخواهد داد و سهل است شکست و ارتسریع خواهد کرد.

ویتنام چندین زهفت سال است است می جنگ خلق قهرمان ویتنامی از همسوسه روزیونیت ها را در اشرا یکتب خاطر حفظ صلح با یاد از آزادی و استقلال چشم پوشیده و بر افکند. حفظ صلح شعاری است که روزیونیت یکم آن میگویند زنده بجا استعمار بر روی امپریالیسم همچنان بر گردن خلق های استعمار زد میمان نگاه دارد. بیپرده نیست که زمانه امپریالیسم نیز هم از روزیونیت ها از حفظ صلح به ثبات مقدم ترین وظیفه سخن میرواند. فاپان در جنگ صریح وی برده میگوید: "ما ندر تئوری و نه در پراتیک استقلال و آزادی را از صلح جدا نمیکنیم. صلح فقط از راه مبارزه حیاتی با خطر استقلال و آزادی بدست میاید. بهد احوال کسانی که جز این می اندیشند ...".

خلق قهرمان ویتنام به این حقیقت آگاهی کامل دارد که جز از راه سرکوب تنها از راه امپریالیسم آمریکا صلح را نمیتوان استوار و تحکیم کرد. خلق ویتنام هرگز نوسازی امپریالیسم آمریکا را نخواست که مورد علاقه روزیونیت ها است. نوسازی کوشش های فوئو امپریالیسم آمریکا را همچنان در ویتنام باقی خواهد گذاشت. تن در نخواهد داد زیرا این نوسازی و استقلال را تا این میباید و نه کجی حفظ صلح خواهد کرد. چنین نوسازی خیانت جنگ انقلابی خلق ویت نام خیانت به آرمان شهیدانی است که با خون خود را نثار کرده اند. خلق ویتنام در همین حال به هیچ وجهی اجازه نخواهد که بر وی یاد ریشتم سرری تصمیم بگیرد. بیباید فاپان در ونگیا چهصراحتی اظهار نظر میکند: "به معنی بیاید بشید، به این علت است که هیچگونه نوسازی ممکن نیست. موضع ما در جنگ موضعی اصولی است ما رزمه ما بر زه خاطر اصول است و هنگامی که سخن بر سر اصولی است این دروسه مهم است جساتی برای نوسازی نیست و نمیتواند باشد".

جنگ انقلابی خلق ویتنام با الهام بخش هم خلق های انقلابی گیتی است. سرتار از آموختن انقلابی است. هر فرد انقلابی باید از آن بیاموزد. بیاموزد برای آنکه ببیند. اما آیا قهرمانی، ابتکار و فداکاری، استفاده بر برداری، که به معنی به دشمن و خصائل دیگری نظیر اینها در خلق ویت نام دیده ای استثنائی است؟ این چنین خصا - ثلی در سمرات خلق های دیگر نیست؟ آیا خلق کیمپو شوری در جریان جنگ داخلی، جنگ علیه بقیه رصحه ۳

ویتنام چندی کساحت آن کتر از یک دهساحت کشور ما جمعیت آن اندکی بیشتر از نصف جمعیت ایران است اکنون بیشتر از هفت سال است کفرای آزادی و استقلال خویش می جنگ.

خلق قهرمان ویت نام سوسه روزیونیت ها را در اشرا یکتباید در انتظار وضع انقلابی شست و آنگاه به قیام مسلح پرداخت بکوش گرفت و بد نبال جنگ انقلابی رفته جنگی که پوزیونیت های حزب تود مبروری آن بر حسب هائی نظیر "کمپوری" "سوسال یلانگیم" آرا توریسم و غیره میگردد. از بد رفیق هائوسه و ون با یکد ارتشوی جنگ انقلابی بر آنست که "جنگ انقلابی جنگ توده ها است و تنها با بسیج توده و اتکا به آنها میتوان چنین جنگی دست زد". مشابیهان توده همواره بود، به آنها آگاهی سیاسی بد هیه آنها را بسیج کنید، مشکل سازید، همیار رزمیکشاید و در رستی رهنوی شوید. آنگاه خواهد دید که روزیونیت عظیمولا بزال آنها چه مجزاتی از خود بظهور میسازند. جنگ انقلابی ویتنام تطابق در دشمنان تئوری جنگ انقلابی است که هیست و پنج سال جنگ انقلابی چین صحت آنرا به ثبوت رسانده است.

خلق ویتنام پیش از هفت سال است که جنگ هفت سال زمان کوتاهی نیست آن هفت سال جنگ هولناک همرا با محاسنات و مبروریت های فراوان جنگ توده های ناچار جنگی طولانی است. تصور آن کافی است که گونوستها "عاشق روزیونیت سریع و از آن قیمت را به نامیدی بکشاند. اما خلق قهرمان ویتنام چه خوب میدانند که استقلال و آزادی آسان یک نمایا بدید برای آن جنگید، محرومیت کشیده قربانی داد باید جنگ را هراند از مبطول انجامد تا نابودی کامل دشمن و روزیونیت نهایی همچنان بد نبال کرد. فاپان در ونگ نخست وزیر و جمهوری دموکراتیک ویتنام در مصاحبه خود با یک روزنامه فرانسوی پس از آنکه اندیشه هرگونه نوسازی را با دشمن خود بخوار کرد و بد نبال شکست هفت گشته را بد صورت جنگ طولانی خواهد بود و بد نبال شکست با رتبه و چاهمیت دارد. خلق قهرمان ویتنام هراند از اصول یکد و هراند از گران تمام شود تا پیروزی نهایی آنرا خواهد داد.

خلق قهرمان ویتنام چو برای آغاز جنگ انقلابی علیه دولت دست نشانده نگویند در پیو ریشتم پشمالی او چندند. در هزار ستار آمریکا بکلی برخلاف موعظه روزیونیت ها در انتظار کمک و اسلحه دیگران نشست و یا یکا رخود را بر اصل تکبیر تئوری خویش گذارد. به اینکا رخود سلاحهای آنرا که به طبیعت در اختیار روی گذارد بود و آنچه که خود او میتوانست فراهم آورد فرا هم آورد و با همین سلاحها توانست اندک اندک ولی بلا انتفاع قنایب قوا را بسود خویش تغییر دهد. اکنون نزد یک مسال است که در رگنار ارتش پشمالی دولت دست نشانده هیست ناچونوی پانیرونده ترین دولت جهان با بیش از نیم میلیون سوزا بدین دولت چه برنده ترین سلاحها با ناوگان هفتم آن با ارتش های دول اقار آن (استرالیا) زلاند جدید کرده نوی فیلیپین تایلند و حتی واحد هائی از انگلستان) می جنگ. خلق ویتنام چه خوب میدانند برای چهی جنگ و حقانیت پیکار خویش ایمان دارد او بخوبی میداند که بدین در هم شکستن تجاوز امپریالیسم آمریکا بیل به استقلال و آزادی سختی پنج و خوالی است، اصد رستق در ریافت است که آزادی و استقلال آسان بدست نیاید، از اینرو هر روزیونیت ممتوری و روحیه مبارزه جوشی او استقامت و جدانازی او فزونی میگردد و روحیه سوزا بدین دشمن بر عکس روحیه میزند. آنها نمیدانند برای چهی ویتنامی جنگید، برای چهی باید جان خود را در مبارزه با خلق صلح جوی ویتنامی بگذرانند. از اینرو است که فراسوزا بدین درجه مشیونیت مشیونیت میباید، در خود آمریکا و کشورهای دیگر مبارزه با اعزاز جوانان به ویتنام مد انتمو. میتری خود میگردد. ارتش که به حقانیت مبارزه خود مؤمن میباید در روحیه اش ضعف و ترور رخنه میکند و همین ضعف روحیه او را از پای در میاورد. ویتنام پیکار

### روزنامه ویتنام

روزنامه توقان در پیشرفت خود بیاری همه رفقا که همه مارکسیست ها - لنینیست ها و همه انقلابیون ایران نیازمند است. به روزنامه ما بنظر رفیقان و منتقدانه بنگرید. انتقادات و پیشنهاد های خود را با ما در میان بگذارید. آنها را بدین ذکر نام و با نام مستعار یا درس توقان ارسال دارید و یا از طریق دیگر ما برسانید.

رفقا و دوستان!

روزنامه توقان با تکبیر نیروی خود برپاست. انتشار هر شماره این روزنامه با دشواریهای فراوان روبروست. هر کک مادی شما قدمی در راه تقویت توقان است. از هر ککی هر قدر کوچک باشد خود داری تئوری. متاسفانه بعلمت وضع خاص توقان اخذ آهونه و اعانه از طریق خاصی میسر نیست. مبلغ آموختن و اعانه خود وسایر رفقا و دوستان را مستقیما به حساب بانکی توقان بریزید و با از طریق دیگر ما برسانید. بهای تک شماره توقان در ایران ۲ ریال در ترکیه معادل ۲ ریال و در سایر کشورهای معادل ۱ ریال است. بهای اشتراك سالانه توقان معادل ۱۰ ریال است.

اکنون که رهبری حزب توده ایران در دست ظفر بخش مارکسیسم - لنینیسم را بر زمین افکند است آنرا سر بسند تر برافرازیم و وحدت کلیه نیروهای مارکسیستی - لنینیستی را بنظور احیا. حزب طبقه کارگر ایران وجهه همت خود سازیم. جنبش انقلابی مسلح دهقانان ایران را که نیروی عمده انقلابیاند و جبهه وسیع کلیه طبقات و قشرها و شخصتهای دموکراتیک ایران را تحت رهبری طبقه کارگر پیگیرانه و صبورانه تدارک ببینیم. قهر ضد انقلابی رژیم محمد رضا شاه حامیان امپریالیست و روزیونیت او را با قهر انقلابی در هم شکنیم.

از ظرح "ولایت میروم و غری مارکسیست ها - لنینیست های ایران"